

بررسی اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی
و استثنائات آن در حقوق کیفری افغانستان

محمدعلی عظیمی

مستر حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه المصطفی - واحد کابل

چکیده

اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی عبارت است از این که هرکسی در قبال رفتار مجرمانه خویش، شخصا مسئولیت دارد. این اصل بر اساس رویکرد عدالت اجتماعی و اندیشه‌های دموکراتیک، به عنوان یک اصل بنیادین حقوق جزا به رسمیت شناخته شده است؛ هرچند که ممکن است مواردی استثنا داشته باشد. این اصل به ملاحظه رعایت تناسب جرم و مجرم و بررسی شمولیت و یا عدم شمولیت نسبت به موارد حقوقی، اهمیت زیاد دارد؛ از این رو، لازم است بررسی شود که این اصل در قوانین جزایی افغانستان مطرح گردیده یا خیر و اگر مطرح شده چگونه مطرح شده است. این تحقیق مسأله مورد نظر را با نگاه به قوانین افغانستان؛ به روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار داده و به نتایج ذیل دست یافته است.

۱. از اصل یاد شده در مکتب اسلام بنام قاعده "وزر" یاد شده است.

۲. این اصل در حقوق کیفری افغانستان، پذیرفته شده و در قوانین مصوب پس از سال ۱۳۴۳ مندرج است.

۳. این اصل هرچند در قوانین جزایی افغانستان آمده؛ اما با این حال پیشنهاد رویکرد عدلی و قضایی نشان می‌دهند که به صورت مکرر مورد نقض قرار گرفته است.

۴. مواردی چند، از اصل شخصی بودن جرم استثنا شده است.

کلید واژه ها

اصل شخصی بودن جرم، نقض قانون، مسئولیت جزایی، قاعده وزر، عدالت کیفری

مقدمه

صاحب نظران علم حقوق اصول متعددی را بر عدالت کیفری مؤثر دانسته‌اند که در این میان، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری از مهم‌ترین این اصول به شمار می‌روند. رعایت دقیق اصل فوق در رسیدگی به دعاوی و اینکه مجرم کیست و اجرای جزا نسبت به چه کسی عادلانه خواهد بود، همه در پرتو اصول اساسی و رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و استثنائات آن خواهد بود که در این صورت نوید بخش تحقق عدالت می‌باشد و بی‌توجهی به آن‌ها حق مراجعه کنندگان به دستگاه قضایی را تضییع نموده و موجبات بی‌عدالتی را فراهم می‌نماید.

یکی از اصول مهم در منابع حقوق امروری، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است؛ یعنی هر شخص مسئول رفتار خویش است و نمی‌توان فرد دیگر را به جای او محاکمه و مجازات کرد؛ منظور اینست که هیچ کسی به خاطر عملی که انجام نداده یا به نحوی در ارتکاب آن شریک و سهیم نبوده است یا به خاطر ترک فعلی که قابل انتساب به وی نیست، مسئول شمرد. در واقع مسئولیت کیفری چه به صورت فردی و یا به گونه‌ی جمعی باشد نتیجه آن، مجازات است که بر اساس قانون اعمال می‌گردد همان‌گونه که مسئولیت شخصی است، مجازات نیز شخصی خواهد بود؛ موضوع عدم تسری مجازات مجرم به خاطر ارتکاب عمل خلاف قانون، به اقارب و دوستان وی به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق جزا مطرح بوده و مباحثی زیادی از سوی فقها و دانشمندان علم حقوق، به ویژه حقوق جزا؛ در این خصوص صورت گرفته است. در جوامع اولیه و حتی بسیاری جوامع سده‌های اخیر، مسئولیت فردی و اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی اصلاً مطرح نبوده و اگر کسی مرتکب جرمی می‌شد، تمام اقوام و اعضای خانواده در مقابل جرمی که یک نفر انجام داده بود، مسئولیت داشتند.

با توجه به مواردی فوق، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی به اساس حقوق موضوعه با استثنائات آن‌ها از مسلمات حقوق کیفری افغانستان بوده و تحقیق حاضر تلاش دارد تا جایگاه اصل مذکور، مباحث مرتبط و شیوه برخورد زمامداران را در رابطه به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در حقوق کیفری افغانستان، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

سوال اصلی پژوهش این است که اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و استثنائات آن در حقوق کیفری افغانستان، از چه جایگاهی برخوردار است؟

و سوالات فرعی آن عبارتند از:

۱. اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در تاریخ حقوقی افغانستان چگونه مراعات شده است؟

۲. رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت جزای چه تأثیری در تضمین عدالت کیفری دارد؟

۳. استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی کدام است؟

بر اساس پرسش‌های فوق، فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

الف. قانون‌گذار افغانستان با توجه به نظام حقوق کیفری اسلام، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری را در وضع و اعمال حکم در نظر گرفته است.

ب. اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در حقوق کیفری افغانستان در هر دوره از حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی در افغانستان وجود داشته است. مراعات این اصل، تضمین کننده عدالت کیفری خواهد بود.

اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، از اهمیت به سزایی برخوردار بوده و به همین دلیل همواره مورد توجه دانشمندان علم حقوق - به ویژه حقوق جزا - قرار داشته است.

فقه‌های اسلامی، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را در قالب قاعده فقهی «وزر»؛ هر چند نه به عنوان یک قاعده مستقل؛ بلکه در خلال مباحث گوناگون فقهی، مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند؛ اما حقوقدانان معاصر مسلمان با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع عرصه حقوق، سعی به عمل آورده‌اند تا اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را یک اصل اساسی قلمداد نموده پیرامون آن به بحث و بررسی بپردازند؛ بنابراین، اکثریت حقوقدانان، در آثار خویش گاه به صورت مختصر و زمانی هم به صورت مشروح و تفصیلی، در رابطه به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، سوابق تاریخی و نیز استثنائات آن، مطالبی را به رشته تحریر در آورده‌اند که در ادامه به دو نوع از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. «حقوق جزای عمومی»؛ اثر پرویز صانعی. در این کتاب به مباحثی چون مسئولیت جزایی و استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، پرداخته شده است؛ ولی طرح مباحث در خصوص اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، در کتاب مذکور بیشتر مبتنی بر قانون ایران است.

۲. برخی پایان نامه‌ها و نیز مقالات در مجلات و سایت‌های علمی در رابطه به اصل مذکور به رشته تحریر در آمده است. از آن جمله آقایان دکتر ایرج گلدوزیان، میراحمد حسینی عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خویش را «اصل شخصی بودن مجازات‌ها از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی» قرار داده‌اند؛ مطالب و مسایل آن دو اثر، با نگاه به وضع مدنی ایران تنسیق یافته است. در افغانستان، پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد توسط مختار ابراهیمی در این موضوع به ثمر رسیده است.

عناوین فوق و پژوهش‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفته یا فقط از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی بحث کرده و یا حقوق موضوعه کشورهای دیگر مثل ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیق پیش‌رو تلاش دارد که جایگاه و موقعیت اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و استثنائات وارده بر آن را در حقوق کیفری افغانستان اعم از فقه اسلامی و قوانین موضوعه، مورد بررسی قرار دهد.

این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از کتاب‌های موجود در عرصه حقوق جزا به خصوص حقوق جزای عمومی و منابعی که در راستای تبیین مسئولیت کیفری تدوین گردیده و نیز پایان نامه‌ها، مقالات و سایت‌های حقوقی، استفاده شده است.

۱. اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی

اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی به این معنی است که تنها خود شخص نسبت به اعمال جرمی که مرتکب شده، مسئول است و عمل وی به هیچ صورت - آن‌گونه که در گذشته‌ها رایج بوده -، به فامیل، اقارب و سایر

اشخاص سرایت ننموده و مستحق مجازات شمرده نمی‌شوند. این موضوع در اسلام به صراحت مورد قبول واقع شده و شارع مقدس اسلام آن را هم در قرآن کریم و هم در سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) مورد تأیید قرار داده است؛ مثلاً مسئولیت کارکرد و اعمال هر شخص، مستقیماً بر عهده شخص فاعل قرار می‌گیرد؛ اما در تعریف مسئولیت جزایی اتفاق نظر وجود ندارد و با این حال، می‌توان تعریف‌های گوناگونی را که حقوقدانان برای آن ارایه داده‌اند، در ذیل به برخی از آن احاله و ارجاع داد می‌شود:

۱. قابلیت توجه اتهام و تحمیل جزا به شخصی که قصداً مرتکب شده است. (قاموس اصطلاحات حقوقی ۱۳۸۷، ۲۳۱)

۲. «مسئولیت کیفری؛ توانایی (قابلیت) انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی به کسانی که توان تحمل بار مجازات یا اقدامات تأمینی را داشته باشند». (نوربها ۱۳۸۲، ۲۷) بر اساس ماده شصت و پنجم قانون جزای افغانستان، «مسئولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود. (قانون جزا ۱۳۵۵)

به طور کلی؛ باید گفت که الزام شخص به پاسخ‌گویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی»، مطرح می‌شود. (صانعی ۱۳۴۶، ۶۷) به هر حال، مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخ‌گویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده‌ای جزایی با جرم است.

در تعریف ترکیبی «حقوق کیفری» در علم حقوق گفته‌اند: «حقوق کیفری مجموعه قواعد کلی، عام و الزام‌آور حاکم بر سه موضوع جرم، مسئولیت جزایی و واکنش علیه پدیده مجرمانه است که از طرف دولت اجرا می‌شود. (غلامی ۱۳۸۵، ۱۰۰)

بنابراین، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، به موجب یکی از قواعد مسلم حقوقی و برداشت از معانی واژه‌های به کار رفته این است که: بر اساس قاعده، هر انسانی، مسئول عمل خویش است و هیچ کس را نمی‌توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست؛ به عبارت دیگر، هر انسانی باید شخصاً پاسخ‌گوی پی‌آمدهای ناگوار اعمالی باشد که از او صادر شده است و ممکن نیست این بار را به دوش دیگری نهاد.

الف. اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در گذشته

مسئولیت در گذشته‌های دور به مسئولیت مدنی، جزایی، سیاسی ... تقسیم‌بندی نمی‌شد. انتقام گرفتن از شخص مجرم، خانواده و نزدیکانش نوعی حق طبیعی برای مجنی‌علیه به حساب آمده که با بی‌رحمی تمام آن‌را به منصفه اجرا می‌گذاشتند. در آن دوران اهدافی چون ارعاب مجرم و سایر مردم، تنبیه، اصلاح و درمان بزهکار مطرح نبوده و مجازات اکثراً جنبه فردی داشته است.

یکی از خصوصیات بشر آن است که همیشه می‌خواهد امیال خود را به هر قیمتی که شده برآورده نماید؛ لذا می‌کوشد تا مشقاتی را که تحمل کرده به وسیله‌ای شادی که ایجاد می‌کند، تلافی نماید. به همین جهت انتقام گرفتن امری است که در نهاد انسان وجود دارد و او آن را نه آفریده است. (مظلومان ۱۳۵۵، ۱۲۶). خون‌خواهی در این دوره، صفت فردی و شخصی نداشت. در واقع همه‌ی افراد قبیله برای خون‌خواهی قیام می‌کردند. در این میان زن‌ها نقش بسیار مهمی را در جهت تحریک و برانگیختن مردان به عهده داشتند؛ چنانچه وقتی سی مرد از قبیله خوله از «بنی رئام» کشته شدند. خوله انگشتان کشته شدگان را به صورت گردن‌بندی درآورد و به گردنش آویخت و شیون کنان و بر سر زنان، نزد مردان قبیله رفت و شعار انتقام جویانه سرداد. (غلامی ۱۳۹۱، ۳۴) زمانی که افراد، گرد هم آمده و مجموعه را به نام جامعه به وجود می‌آورد مجبور است برای حفظ خود قوانین و مقرراتی وضع نماید. حال، اگر کسی این قوانین را که برای حفظ و سلامت جامعه وضع گردیده نقض نماید، مسئول بوده و جامعه حق دارد که او را به علت همین امر مورد مواخذه و «مجازات» قرار دهد. (روسو ۱۳۴۱، ۲۳۰) ولی این مواخذه فقط کسانی را مورد پیگرد و مجازات قرار می‌دهد که در انعقاد قرارداد اجتماعی شرکت داشته و سپس با داشتن «قدرت درک و شعور»، آن را نقض نموده باشند؛ بنابراین، مجانین که به علت فقدان شعور، از درک تکالیف خود عاجزند، همچنین کسان و اقوام مجرم نیز که در نقض قرارداد اجتماعی دخالتی نداشته‌اند، نباید قانوناً مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند؛ زیرا کلیه این امور بر خلاف قرارداد اجتماعی است.

ب. اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در اسلام

جامعه بشری برای رسیدن به اصل حاکمیت قانون و برقراری عدالت کیفری، دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است. قتلها، شکنجه‌ها و ظلم‌های زیادی را از ناحیه حکمرانان و ظالمین تحمل نموده و برای اجرای عدالت قیام‌ها نموده است؛ نتیجه آن مبارزات در مقابل خودکامگی قضات و حاکمان ظالم، همانا تن دادن حاکمان به تبیین جرایم و مجازات‌ها بوده است که در رعایت کردن اصول و قواعد راهبردی کیفری، متبلور است.

- در قرآن کریم

قرآن کریم اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع احکام اسلامی است که اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را در قالب آیه مبارکه «ولاتزر وازره وزر اخری» بیان نموده است. این آیه با عین مضمون پنج بار در سوره‌های مختلف تکرار شده است که تفاوت آنها تنها در مقدمه‌ی جمله است :

قل اغیرالله ابغی و رباً و هو رب کل شیء ولا تکسب کل نفس الا علیها و لاتزر وازره وزر اخری؛ (انعام، ۱۶۴)؛
بگو آیا جز خداوند پروردگاری جوید و او پروردگار همه است و عمل نمی‌کند هیچ‌کس؛ مگر بر ذات خود و هیچ بردارنده‌ای بارگناه دیگری را بر ندارد.

مرحوم طبرسی، مفسر کبیر شیعی معتقد است که آیه‌ی فوق در پاسخ کفاری آمده که می‌گفتند: «اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطایاکم» (عنکبوت، ۱۲)؛ راه ما را پیروی کنید، ما گناهان شما را بر دوش خواهیم گرفت. خداوند تبارک و تعالی در پاسخ آن‌ها گفته است که هیچ‌کس، بار دیگری را بر پشت نمی‌گیرد. تفسیر کابلی در خصوص این آیه مبارکه گفته است: کافران در توحید و امثال آن با مسلمانان مجادله می‌کردند و می‌گفتند شما طریق توحید را بگذارید و به آیین ما درآیید؛ اگر در آن گناهی باشد، به ذمه ما. در این جا پاسخ آن‌ها داده شد که گناه هرکس بر عهده خود او است و هیچ‌کس گناهی دیگری را برداشته نمی‌تواند. مجادله و اختلاف شما همه به حضور الهی باز می‌گردد و آنجا بررسی می‌شود. جهان جای فیصله نیست؛ بلکه عرصه امتحان و آزمون است. (دیوبندی ۱۳۸۲، ۸۵).

- در سنت

اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی به تأسی از وحی الهی، در سنت نبوی نیز مورد تأکید قرار گرفته و آن حضرت بیاناتی نسبت به آن داشته‌اند که به دو مورد آن اشاره می‌نمایم:

«عن ابی داوود عن ابی رمئه قال: انطلقت مع ابی نحوالنبی فقال (ص) له ابنک هذا؟ قال ای و رب الکعبه، قال حقاً اشهد به، قال فتبسم النبی ضاحکاً من استقرار شبهی فی ابی و من حلف ابی علیه، ثم قال: «اما انه لایجنی علیک و لا تجنی علیه» و قرأ رسول الله «ولاتزر وازره و زر اخری»؛ ابوداوود از ابو رمئه نقل میکند: همراه پدرم به سوی رسول خدا (ص) رفتیم. پیامبر به پدرم فرمود: این پسر توست؟ پدرم گفت: قسم به پروردگار کعبه بلی. پیامبر فرمود: حقیقتاً به آن شهادت میدهم. آنگاه تبسم فرمودند از اینکه چقدر شباهت من به پدرم زیاد است و پدرم بر آن سوگند خورد. سپس پیامبر (ص) فرمود: ولی بدان که او جنایت تو را بر عهده نمی‌گیرد و تو جنایت او را نمیتوانی بر عهده بگیری؛ آنگاه آیه وزر را قرائت فرمودند. (دیوبندی، پیشین، ۶۵) در روایت دیگر که از امام شافعی (ره) (رئیس مذهب شافعیه)، نقل شده است، پیامبر (ص) فرمودند:

«ولایؤخذ الرجل بجریره ابیه و بجریره اخیه؛ هیچ‌کس به جرم پدر یا به جرم برادرش مورد مؤاخذه و مسئولیت قرار نمی‌گیرد. (محقق داماد؛ پیشین، ۱۶۳)

ج. تاریخچه اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در افغانستان

با توجه به اینکه بیشتر قوانین مصوب درین سرزمین اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را در قانون تسجیل کرده؛ ولی در عمل، موارد زیادی وجود دارد که از طرف حاکمان، نقض گردیده است و در این گفتار به موارد نقض اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی که در زمان حکومت‌های مختلف (اعم از پادشاهی، جمهوری و غیره) مرور می‌نمایم. با وجودی که شریعت مقدس اسلام و حقوق موضوعه افغانستان، اجرای آن را تضمین نموده است، به عنوان رفتار تلخ قدرت مداران، شناسایی و بازگو نمایم. هدف از طرح این گفتار، آن است تا خوانندگان بدانند که تنها ذکر برخی از موضوعات در قوانین یک کشور و حتی شریعت اسلام کافی نیست؛ بلکه آنچه مهم است، اجرای آن است که نیازمند آگاهی، دانش و رشد فکری شهروندان می‌باشد.

- نقض اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در نظام‌های سلطنتی

نظام سلطنتی در افغانستان که از زمان احمدشاه «ابدالی» تا پایان حکومت ظاهرشاه امتداد یافته است، مملو از جنگ‌های داخلی، برادر کشی و مداخلات قدرت‌های بزرگ در امورات داخلی این کشور بوده است. در این دوران، حکام صاحب قدرت در افغانستان با اینکه در شعار بر عدالت، مساوات و حقوق شهروندی تأکید داشته؛ ولی در عمل کمتر به آن توجه شده است.

یکی از رویدادهای معاصر افغانستان که در آن اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی از سوی نهاد حاکم نقض گردیده است، قضیه قتل نادرشاه است که توسط شخصی به نام عبدالخالق در محوطه ارگ شاهی به وسیله فیر تفنگچه رخ داد. تاریخ نویسان، ترور نادرشاه را چنین نگاشته‌اند:

«پس از کشته شدن نادرشاه، عبدالخالق به امر شاه محمود به محبس کوتوالی منتقل شد. در مدت اندکی، تمام فامیل، دوستان و نزدیکان او نیز گرفتار و بندی شدند؛ تا آن جا که تقریباً هیچ کس از وابستگان عبدالخالق از آتش انتقام شاه محمود در امان نماندند. (علامه ۱۳۸۹، ۹۶)

بنابه روایتی، ۲۱ نفر از اعضای خانواده عبدالخالق را کشتند که در میان آن‌ها عبدالله و عبدالرحمن پسران خردسال مولاداد (کاکای عبدالخالق) و حفیظه خواهر کوچک خالق که ۳ سال (یا به روایتی ۸ سال) سن داشت، نیز قرار داشتند. (یادنامه شهید عبدالخالق ۱۳۷۲، ۶۴)

از وقایع دیگر تاریخ افغانستان قتل عام خانواده محمد داود خان است که توسط حزب دموکراتیک خلق بدون در نظر داشت جرم، حتی از اطفال بی دفاع نگذشتند؛ همچنین در قتل عام خانواده حفیظ‌الله امین بدون توجیه حقوقی به اطفال و زنان شدیداً آسیب رسانید به جرم اینکه از خانواده وی است؛ در حالی که از جنایات امین اصلاً آگاهی نداشتند.

موارد یاد شده، به صراحت اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را نقض کرده است. (ظاهر طنین، پیشین، ۲۲۵).

- اصل شخصی بودن «مسئولیت جزایی» در قوانین اساسی افغانستان

قانون جزایی مصوب ۱۳۴۳. با توجه به اینکه در قوانین اساسی هر دوره، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی مورد توجه قرار داشته؛ ولی در تطبیق آن مشکلات فراوان دیده شده است. قانون اساسی مصوب سال ۱۳۴۳ که اولین قانون اساسی کشور است، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را به صورت صریح و آشکار به رسمیت شناخته است؛ چنانچه در ماده ۲۶ بیان میدارد: «...جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمیکنند». (ابراهیمی ۱۳۹۴، ۵۶)

قانون جزایی مصوب ۱۳۵۵. این قانون، دومین قانون مهم کشور است که اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را با عبارت روشن به رسمیت شناخته است. فقره ۱ ماده ۲۸ این قانون جزایی چنین حکم می‌کند: «شخص

از جرمی که نتیجه عمل جرمی او نباشد، مسئول شناخته نمی‌شود». بنابراین، بر اساس این ماده از قانون جزای افغانستان که بیشترین مسایل مربوط به حقوق جزای عمومی و اختصاصی را تنظیم می‌کند، جرم یک عمل شخصی پنداشته شده و به هیچ صورت، تعقیب عدلی و قضایی یا مجازات یک شخص به اقارب، دوستان و نزدیکان وی تسری پیدا نمی‌کند.

در این قانون، برای «اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی» ماده مستقلی را اختصاص داده، صورت اجرای آنرا تضمین نموده؛ چنانکه در ماده ۳۱، چنین صراحت دادرد:

«جرم یک امر شخصی است؛ تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی‌کند».

قانون جزایی مصوب ۱۳۵۹. این قانون که در زمان ببرک کارمل به تصویب رسید، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را در ماده ۳۰ بیان داشته است و همچنین قانون اساسی تدوین شده در زمان نجیب‌الله نیز اصل متذکره را در ماده ۴۱ به رسمیت شناخته است. بر این اساس، از نظر شکلی به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی احترام نهاده شده است. (ابراهیمی، پیشین، ۶۷)

قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲. به باور بسیاری از کارشناسان مسایل حقوقی، قانون اساسی فعلی افغانستان از جمله بهترین و دموکرات‌ترین قانون اساسی در سطح منطقه می‌باشد که برای شهروندان افغانستان در زمینه‌های زیاد، حق و حقوق در نظر گرفته است که از آن جمله می‌توان به حق آزادی بیان، تشکیل احزاب سیاسی، آزادی تظاهرات و اجتماعات، راه‌اندازی رسانه‌های نوشتاری، صوتی و تصویری، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در پست‌های مختلف دولتی بدون تبعیض ... اشاره نمود. (رحیمی ۲۰۰۸، ۴۵)

قانون اساسی کنونی افغانستان، در این زمینه چنین آورده است: «جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی‌کند» (قانون اساسی ماده ۲۶). در صورت تطبیق دقیق این ماده و ملزم ساختن نهادهای مسئول در جهت رعایت آن و نیز سایر مواردی که به منظور از بین بردن ظلم و بی‌عدالتی وضع شده‌اند؛ از سوی مراجع تطبیق‌کننده قانون جلو ظلم، استبداد و بی‌عدالتی گرفته خواهد شد.

۲- قوانین اجرائات جزایی

اصول محاکمات جزایی یکی از رشته‌های مهم و غیرقابل انفکاک حقوق جزا است که اهمیت آن در اجرایی پروسه عدالت جزایی فوق‌العاده مهم بوده و چنانچه در این قانون مهم، کاستی‌ها و نواقصی موجود باشد، بدون شک اجرای پروسه عدالت نیز به مشکلات مواجه خواهد شد. این قانون در حقیقت نمایان‌گر چگونگی عدالت جزایی و حقوق جزایی هر کشور است. اصول محاکمات جزایی با مشخص کردن گام به گام پروسه عدالت جزایی از خودسری‌ها و خودکامگی‌های مسئولین عدلی و قضایی جلوگیری نموده و نیز حقوق متهمین و

مظنونین را مشخص می‌سازد؛ از این رو، تعیین جرم از وظایف منحصر قانون‌گذار است که آن را در قالب اصول محاکمات مطرح می‌کند. (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۱۴۳) به طور خلاصه باید گفت که اجرای بی‌عیب و نقص عدالت جزایی، وابسته به قانون اجرائات جزایی بوده و یک محاکمه عادلانه نیز فقط با یک قانون استاندارد اجرائات جزایی، تضمین می‌گردد.

در تعریف قانون اجرائات جزایی گفته‌اند: «اصول محاکمات جزایی مجموعه قواعد و مقرراتی هستند که برای کشف جرم، تعقیب متهمان و تحقیق از آنان، تعیین مراجع صلاحیت‌دار، طرق شکایت از احکام و نیز بیان تکالیف مسئولان قضایی و انتظامی در طول رسیدگی به دعوای جزایی و اجرای احکام از یک سو و حقوق و آزادی‌های متهمان از سوی دیگر، وضع و تدوین شده است. (آشوری، ۱۳۸۵، ۱۲)

اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی (همانند قوانین جزایی)، به صورت صریح در قانون اجرائات جزایی ذکر نشده است؛ لکن به صورت ضمنی می‌توان استنباط نمود که برخی از مواد قانون مذکور مربوط به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی است.

فقره ۴ ماده ۲ قانون اجرائات جزایی، یکی از اهداف قانون مذکور را محاکمه عادلانه می‌داند که در آن هیچ انسان بی‌گناه که در ارتکاب جرم دخالت نداشته مجازات نشده و همچنین هیچ مجرمی از تعقیب عدلی و قضایی باز نماند. به نظر می‌رسد این فقره، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ زیرا در صورتی که یک شخص بی‌گناه به دلیل داشتن قرابت با مجرم مورد مجازات قرار گیرد، مخالف اهداف قانون اجرائات جزای اجرائات صورت گرفته است که قابل قبول نمی‌باشد.

همچنین فقره ۳ ماده ۷ قانون اجرائات جزایی، همانند قانون اجرائات جزایی موقت، تحت فشار گذاشتن متهم را به احتمال زیاد با استفاده از اقارب و نزدیکان وی به منظور اقرار و کشف جرم به صراحت مورد نهی قرار داده است: «مظنون، متهم و مدعی حق العبد، دارای حقوق ذیل است... مصئونیت از توهین، تحقیر، تعذیب جسمی، روانی و هرگونه برخورد غیر انسانی».

۳. آثار و پی‌آمدهای اصل شخصی بودن مسئولیت جزای

الف. تضمین عدالت کیفری

از مهم‌ترین آثار اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی این است که هر کس در مقابل تقصیری که مرتکب شده، مواخذه می‌شود و عوارض آن به هیچ روی به بستگان و دیگران سرایت نمی‌کند. می‌دانیم که قبل از برقراری نظام‌های جدید جزایی، مسئولیت مجرمین عملاً اعضای خانواده و بستگان آنان را نیز در بر می‌گرفت. وقتی شخصی، مرتکب جرمی خطرناک می‌شد - مخصوصاً وقتی اقدامی علیه جان سلطان یا امنیت کشور به عمل می‌آورد - نه تنها خود او را به سختی مجازات می‌کردند؛ بلکه اعضاء خانواده یا سایر اقوام نزدیک او را هم زندانی و مجازات می‌نمودند و شکنجه می‌دادند تا اطلاعات لازم را در باره فعالیت‌ها و مقاصد شخص مجرم به دست

آوردند. (قربانی‌نیا ۱۳۸۱، ۵۷) گاهی اوقات هم، نه به خاطر کسب اطلاعات؛ بلکه صرفاً به علت حس انتقام‌جویی، همه اعضا یک خانواده به آتش جرمی که یک نفر مرتکب شده بود، می‌سوختند و بدین سان؛ عدالت کیفری، ضمانت اجرای نداشت.

دانشمندان و صاحب‌نظران علم حقوق، اصول متعددی را موثر بر عدالت کیفری دانسته‌اند؛ یکی از آن اصول، مراعات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی است. رعایت دقیق اصل فوق در رسیدگی به دعاوی و جرم و جزا، نوید بخش تحقق عدالت می‌باشد و بی‌توجهی به آن‌ها حق مراجعه‌کنندگان قضایی را تضییع نموده و موجبات بی‌عدالتی را فراهم می‌نماید. در قوانین تمام کشورها و آرزوی تمام ملل دنیا در طول پرفراز و نشیب تاریخ، عدالت و تطبیق عدالت بوده و است. (ولیدی ۱۳۸۵، ۵۴)

قانون اساسی افغانستان نیز تأمین عدالت در جامعه را از مکلفیت‌های دولت شمرده و در ماده ششم مقرر داشته: «دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور، مکلف می‌باشد». هر نظام که در اریکه قدرت چه بر اساس شایستگی و قانون و چه بر اساس زور و استبداد تکیه زده، دم از عدالت و حاکمیت عادلانه زده‌اند. توجه به شخصیت و کرامت انسانی افراد، رعایت کامل حقوق متهمان و مصون ماندن جان و مال و ناموس مردم از تجاوز را می‌توان از نتایج مسلم رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی دانست.

ب. حفظ نظم عمومی

اصطلاح نظم عمومی در عرصه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، کاربرد فراوان دارد. اساساً در قلمرو حقوق، نظم عمومی با منافع و مصالح جامعه، ارتباط مستقیم یافته است؛ همچنین مفهوم نظم عمومی، پیوند عمیقی با ایدئولوژی حاکم، خط مشی سیاسی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی هر جامعه داشته است. افلاطون نخستین فیلسوفی است که این اندیشه را به روشن‌ترین وجه بیان کرده است. هدف کیفر، دیگر نه بزه‌دیده است تا کفار را تأمین کند و نه جرم تا سزای عمل به شمار رود، بلکه مستقیماً متوجه مقصر است، (ژان پرادل ۱۳۸۱، ۲۵)؛ زیرا مقصر است که نظم جامعه را بهم زده و اختلال اجتماعی ایجاد کرده است؛ این هم به این معنی است که بستگان مجرم به عنوان عضو جامعه به خاطر عدم رعایت اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، احساس آرامش و امنیت نداشته باشد.

انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است؛ سرشت و طبیعت وی بر اجتماعی بودن مبتنی است، تنوع و کثرت نیاز بشر به اندازه‌ای است که تأمین همه آن‌ها از سوی هریک از افراد امر محال و غیر ممکن است و چاره جز این نیست که در یک زندگی جمعی هریک از افراد بشر در تأمین بخشی از نیازها، نقش ایفا نمایند. زندگی افراد در اجتماع به دلیل تعارض منافع، همواره در طول تاریخ مواجه با اختلاف و درگیری فردی و گروهی بوده است. برای کاستن این درگیری‌ها و حل و فصل اختلافات، چاره‌درین دیده شد که با تشکیل حکومت و وضع قانون،

حقوق و تکالیف افراد جامعه در مقابل یک دیگر تبیین گردد؛ براین اساس، حاکمان و مدیران جامعه بر آن شدند تا با وضع قوانین عادلانه، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را تأمین و تضمین نموده و شرایط لازم جهت تحقق عدالت را فراهم نمایند. از جمله عواملی که نقشی مهمی در استقرار عدالت در جامعه دارد، عدالت کیفری و اصول و قواعد حاکم بر اجرای کیفر است و در این صورت، عدالت کیفری و حفظ نظم عمومی تأمین خواهد شد. (محمدی ۱۳۸۷، ۳۲)

۴. استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی

الف. ضمان عاقله

در نظام حقوقی اسلام که به اساس ماده ۳ قانون اساسی، هیچ حکم و دستوری نباید در مخالفت با آن قرار داشته باشد، اصل بر این است که جرم یک عمل شخصی بوده و مجازات مجرم به اقارب و دوستان وی سرایت نمی‌کند. این موضوع به عنوان یک اصل اساسی حقوق جزای اسلامی از سوی فقهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؛ با این وجود، فقه اسلامی برخی استثنائات را برای اصل مذکور برشمرده که ضمان عاقله و پرداخت دیه توسط بیت‌المال در شرایط خاص از آن جمله می‌باشد.

مسأله عاقله، از جمله مسائلی است که در فقه و حقوق اسلامی مطرح می‌باشد و از احکام مشهور فقه اسلامی به شمار رفته و فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت به آن فتوا داده‌اند؛ یعنی اگر قتل یا بعضی جنایات دیگر بدون هیچ‌گونه تعمدی و صد در صد از روی خطا از کسی سرزند دیه و خون‌بها را باید گروهی از خویشاوندان او بپردازند و این گروه را عاقله می‌گویند. (احمدی ۱۳۸۱، ۱۴). فقهای اهل سنت در مورد قتل خطایی، اجماع نظر دارند که دیه بر عهده عاقله جانی است و این حکم را در اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری یک استثنا دانسته و فلسفه آن را تعاون و همکاری با جانی ذکر کرده‌اند. (اسکندری ۱۳۹۰، ۱۳).

مرحوم منتظری با استناد به آیات و روایات گفته که حمل دیه بر عاقله در بدو امر مقدار دور به نظر می‌رسد؛ ولی با شروط ویژه که در ثبوت آن قرار داده شده (مانند اینکه جنایت نباید با اقرار جانی به ثبوت رسیده باشد یا اینکه عاقله باید ورثه متمکن جانی باشند)، می‌توان اصل حکم را به گونه معقول و مقبول دانست؛ زیرا در قتل خطای محض، جنایتی رخ داده که به دقت عقلی مقصری ندارد، خونی به ناحق ریخته شده که باید به گونه جبران گردد و اگر بر عهده جانی گذاشته شود او معمولاً توانایی ندارد؛ ولی اگر بین اقوام و خویشان متمکن او تقسیم گردد، هم دیه پرداخت شده و هم بر کسی ضرر قابل توجهی وارد نشده است (منتظری ۱۳۸۷، ۱۷)؛ بنابراین، تعلق دیه بر عاقله، همانند بیمه، تضامن متقابل و تقسیم فشار مشکلات و حوادث بر گروه کثیری است. به تعبیر دیگر تعلق دیه بر عاقله یک بیمه فامیلی و خانوادگی محسوب می‌شود که در ضمن همبستگی اعضای فامیل را نیز بیشتر می‌کند و همچنان ضمان بیت‌المال مورد دیگری بر این اصل شمرده شده است.

ب. مسئولیت جزایی ناشی از فعل غیر در قوانین افغانستان

در ذیل برخی از مواردی را که قوانین و مقررات افغانستان به عنوان استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، مورد پذیرش قرار داده است؛ اشاره می‌گردد:

ت. مسئولیت مدیر مسئول رسانه‌های همگانی

قانون اساسی فعلی برای هر افغان حق داده است تا در چوکات قوانین نافذ کشور، اقدام به تأسیس رادیو، تلویزیون، مطابع و... و همچنین نشر و طبع روزنامه، هفته‌نامه، مجله و کتاب نماید؛ اما به منظور جلوگیری از فحاشی، نقض ارزش‌های دینی و ملی، ترویج فحشا و موضوعات خلاف آداب، عرف و عنعنات اکثریت شهروندان کشور، نه تنها نویسنده یا گوینده‌ای که قوانین و مقررات را نقض نماید، مسئول شناخته؛ بلکه صاحب امتیاز و مدیر مسئول نیز به دلیلی عدم نظارت و کوتاهی یا سهل انگاری در کنترل درست (ولو هیچ‌گونه دخالتی در ارتکاب جرم نداشته باشد)، مسئول شناخته است.

قانون جزا افغانستان در ماده ۲۳۷ به صراحت مقرر می‌دارد که: «هرگاه جرایم مندرج ماده ۲۳۶ این قانون از طریق جراید یا روزنامه‌ها ارتکاب گردد، مدیر مسئول و نویسنده به صفت فاعلان اصلی به مجرد نشر، به جزای پیش‌بینی شده آن محکوم می‌گردد.» در ماده ۲۳۶ قانون‌گذار نشر و ترویج برخی مواردی را که خلاف منافع عامه و ارزش‌های ملی و دینی مردم افغانستان است، ممنوع قرار داده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است؛ یعنی مطابق ماده مذکور، اگر موارد ممنوعه توسط کارمند روزنامه یا مجله به نشر برسد، علاوه بر کارمند، مدیر مسئول نیز به دلیل عدم نظارت بر عملکرد کارمند، تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

ماده ۲۶ قانون رسانه‌های همگانی، مدیر مسئول را از نشر مضامین و محتویات که در رسانه‌ای وی به نشر می‌رسد، مسئول می‌داند. این ماده قانونی، مدیر مسئول را ملزم می‌سازد تا قبل از طبع و نشر مطالب و موضوعات، آن را به دقت مورد بررسی و تدقیق قرار داده و زمانی که از عدم مخالفت و تناقض آن با ارزش‌ها و هنجارهای مورد احترام جامعه مطمئن گردید، اجازه نشر آنرا صادر نمایند. البته این موضوع نیازمند آگاهی و فهم گسترده مدیر مسئول از قوانین و مقررات حقوقی، فرهنگ، عرف و آداب اجتماعی است که باید با آن‌ها آشنا باشد تا او خود و کارمندان و همچنین نویسندگان مقالات نشریه، به مشکل مواجه نشوند.

ث. مسئولیت برگزارکنندگان تظاهرات و اجتماعات

برپایی تجمعات و تظاهرات به منظور مطالبه حقوق مشروع و همچنین مجبور ساختن دولت‌مردان و نهادهای اجرایی جهت عملی ساختن خواسته‌های قانونی، از جمله حقوق بنیادین و اساسی شهروندان یک کشور به حساب می‌آید که در قوانین اساسی کشورها تسجیل گردیده است. قانون اساسی در ماده ۳۶ مقرر میدارد: «اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح طبق قانون، اجتماع و تظاهرات نمایند.» درست است که ماده مذکور، اجتماعات و تظاهرات را به عنوان یک حق بنیادین اتباع به رسمیت شناخته؛ ولی برای جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج، شرایط را در متن ماده برای تظاهرات در نظر

گرفته و برخی دیگر آن را به قانون علیحده موکول نموده تا تظاهرات به شکل صلح آمیز و قانونی آن انجام شود؛ سبب هرج و مرج و زیانهای مالی و جانی شهروندان نگردد.

به اساس این قانون، گردهمایی و راهپیمایی باید به وسیله سازمان‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی راه اندازی شود؛ اشخاص مذکور دارای مکلفیت‌های ذیل می‌باشند:

- ۱- اطلاع کتبی به پولیس محل، بیست و چهار ساعت قبل از راه اندازی اجتماع.
- ۲- درج هدف، وقت، محل و خط السیر در متن اطلاعیه.
- ۳- رعایت احکام قانون اساسی و سایر قوانین کشور و ارزش‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- ۴- احترام به دین مقدس اسلام و عنعنات مذهبی، ملی، تاریخی و فرهنگی کشور.
- ۵- اجتناب از دشنام، تهدید و تخویف اشخاص و [پرهیز از] ارتکاب هر نوع حرکت مغایر آداب، نظم و امن عامه.
- ۶- اجتناب از خشونت، تخریب و مبارزه مسلحانه. (قانون اعتصابات، ماده ۷)

با توجه به ماده فوق، در صورتی که تظاهرات به هرج و مرج منتهی شده و افراد شامل در تظاهرات علی‌رغم اراده برگزارکننده، دست به تخریب اموال عمومی بزنند، سازمان‌دهنده تظاهرات، مسئول ناشی از فعل تظاهرات چیان بوده و باید ضررهایی را که آن‌ها به اموال خصوصی و عمومی وارد آورده‌اند، جبران نماید. قوانین جزایی سایر کشورها، ضمانت اجرای لازم را در این خصوص در نظر گرفته است؛ اما ق.ا.ا.ت در این خصوص ساکت بوده و تنها به لفظ «مکلف است» اکتفا کرده است. حالا اگر تظاهرات به خشونت گراید و برگزارکننده از کنترل مظاهر چیان در رابطه به چور و چپاول اموال عمومی عاجز ماند، چقدر و چگونه باید مجازات شود، قانون مذکور ساکت است و این یک نقص اساسی قانون مذکور به شمار می‌رود. (ابراهیمی، پیشین، ۱۱۳)

به نظر می‌رسد؛ موادی که استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را تایید می‌کند، محدود و ناکافی است از این رو خوب است که این استثنائات بازنگری شود و دامنه آن توسعه پیدا کند تا شامل جرایم چون رشوت و اختلاس و سوء استفاده از صلاحیت‌های موقعیتی کارمندان در ادارات، اهمال گذاشتن مراتب یک دوسیه و کُندکاری افراد یا نهاد و مانند آن نیز شود و کار فرمایان و ریاست‌های اداری، وزارتخانه‌ها و نهادهای مرجع عموم، نیز نسبت به جرایم متذکره کارمندان و زیرمجموعه‌های‌شان تحت پوشش قانونی قرار گیرند و نسبت به جرایم رخ داده در حوزه‌شان پاسخگو باشند.

نتایج بحث

از این نوشتار که تحت عنوان «بررسی اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و استثنائات آن در حقوق کیفری افغانستان» و در چهار عنوان اصلی به فرجام رسیده و آن‌ها عبارتند از: پیشینه اصل شخصی بودن مسئولیت

جزایی، بررسی چند و چون آن در قوانین افغانستان، آثار و پی‌آمد های این اصل و همچنین استثنائات آن، نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. با توجه به سیر تاریخی حقوق کیفری در گذشته‌های دور، مسئولیت جزایی یک امر جمعی بوده است یعنی در صورتی که یک شخص مرتکب جرم می‌شده است، تمام اعضای خانواده و حتی قبیله‌اش مسئول بوده و در صورت دسترسی اقارب و قبیله متضرر از جرم به هر یک از اعضای فامیل و قبیله مجرم اعم از زن و مرد و یا پیر و جوان به شدیدترین وجه ممکن مورد خون‌خواهی و انتقام قرار می‌گرفته‌اند.

۲. آیه «ولاتر وازره وزر الاخری» در چند جای قرآن کریم و همچنین آیات متعدد دیگر به صراحت اعلان نموده که اصل در اسلام، شخصی بودن مسئولیت جزایی است و این اصل در احادیث، روایات و سیره پیامبر اسلام(ص) و یارانش نیز منعکس شده است.

۳. از طرف دیگر زمامداران نیز به خاطر کسب حمایت مردم مسلمان افغانستان، سعی می‌کردند خود را مسلمان واقعی جلوه داده و احکام اسلامی را تا جایی که مغایر با دوام اقتدار خود و خانواده شان نباشد، عملی سازند. بنابراین، پذیرش قاعده «وزر» و استثنائات آن در حقوق کیفری افغانستان، به عنوان یک قاعده معتبر فقهی که مورد اتفاق همه علمای اسلامی بوده، اجتناب ناپذیر است؛ ولی اینکه تا چه اندازه در رفتار حاکمیت نظام‌های حقوقی افغانستان جامه عمل پوشیده و در فیصله‌های شان رعایت کرده‌اند، موضوع جدا است.

۴. مواردی زیاد در تاریخچه حقوق وجود دارد که افراد صرفاً به خاطر داشتن قرابت و خویشاوندی با مجرم، مورد شکنجه، اذیت و آزار قرار گرفته و حتی اعدام شده‌اند. مخصوصاً زمانی که جرم ارتكابی علیه پادشاه و یا یکی از نزدیکان وی صورت گرفته است؛ در این گونه موارد، تمام اعضای فامیل و حتی دوستان دور وی به دار شکنجه شده و یا مجازات آویخته شده‌اند.

۵. با پیوستن افغانستان به جنبش قانون اساسی و وضع و تصویب قوانین موضوعه، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی و یا این که جرم یک عمل شخصی است، همواره به عنوان یک اصل اساسی و بنیادین در قوانین اساسی حکومت‌های مختلف این کشور، به رسمیت شناخته شده و یک ماده قانون به آن اختصاص یافته است. با تحولاتی که در زمینه حقوق جزا در سطح جهان صورت گرفته و استثنائاتی را برای اصل مذکور در نظر گرفتند، قانون‌گذار افغانستان نیز سعی نموده تا همگام با قافله جهانی، استثنائاتی را در قوانین جزایی در رابطه به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، به رسمیت بشناسد.

۶. با توجه به اینکه اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی در افغانستان دست کم در بعد اجرا با نارسایی‌های همراه است، استثنائات از اصل شخصی بودن جرم نیز به گونه محدود و ناکافی آورده شده و این می‌طلبد که موارد دیگر مانند جرایمی که در ادارات تحت ریاست، رخ می‌دهند و همچنین جرایمی که به وسیله افرادی که زیرمجموعه نهادها و یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی محسوب می‌شوند رخ می‌دهند نیز بر موارد مستثنا شده، اضافه گردد.

۷. نکته اخلاقی دیگر که در این نوشته بدان اشاره شده، این است که ذکر برخی از قواعد و مقررات کلی و جزئی در شریعت اسلامی یا قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور، کفایت نمی‌کند. بلکه آنچه بسیار مهم است اجرا و تطبیق آن قواعد و مقررات می‌باشد و این مهم به نظارت سیستم قضایی، دولت‌مردان متعهد و قانون‌گرا، نهادهای طرفدار حاکمیت قانون و شهروندان بیدار و آگاه می‌باشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

الف. کتب

۱. ابراهیمی، مختار. ۱۳۹۴. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در نظام حقوقی افغانستان، پایان نامه ماستری دانشگاه خاتم النبیین.
۲. احمدی، ذکراالله. ۱۳۸۱. نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، تهران، میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۸۹. حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ بیست و دوم.
۴. آشوری، محمد. ۱۳۸۵. آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، یازدهم.
۵. پرادل، ژان. ۱۳۷۳. تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۱. درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران، سمت، سوم.
۷. پوهنچی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل. ۱۳۸۷. قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل، اول.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۶۸. ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چهارم.
۹. حبیبی، ضامن علی. ۱۳۹۱. جرایم برضد امنیت و آسایش عمومی در حقوق جزای افغانستان، کابل، مقصودی، خزان.
۱۰. دیوبندی، محمود حسن. ۱۳۸۲. تفسیر کابلی، مترجم: جمعی از علمای افغانستان، تهران، احسان، ششم.
۱۱. رحیمی، مجیب الرحمن. ۲۰۰۸. نقدی بر ساختار نظام در افغانستان، کابل، کانون مطالعات و پژوهش‌های خراسان.
۱۲. روسو، ژان ژاک. ۱۳۴۱. قرارداد اجتماعی، مترجم: غلام حسین زیرک‌زاده، تهران، شرکت سهامی چهارم، چهارم.

۱۳. صانعی، پرویز. ۱۳۴۸. طرح مقدماتی حقوق جزای عمومی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۴. طنین، ظاهر. ۱۳۹۰. افغانستان در قرن بیستم، تهران، عرفان، سوم.
۱۵. علامه، غلام حیدر. ۱۳۸۹. اصول راهبردی حقوق کیفری در قوانین اساسی ایران، افغانستان در پرتو اسناد بین المللی، تهران، میزان.
۱۶. عمید، حسن. ۱۳۸۲. فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۷. غبار، میرغلام محمد. ۱۳۸۵. افغانستان در مسیر تاریخ، کابل، محسن.
۱۸. غلامی، حسین. ۱۳۸۵. مبانی حقوق و عدالت جزای در افغانستان، موسسه gtz.
۱۹. فرهنگ، محمد صدیق. ۱۳۷۴. افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، محمدوفایی، دوم.
۲۰. قربانی نیا، ناصر. ۱۳۸۱. عدالت حقوقی، نشر موسسه فرهنگ دانش و اندیشه معاصر، اول، تهران، میزان.
۲۱. کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۹. حقوق خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، سوم.
۲۲. محقق داماد، مصطفی. ۱۳۸۳. قواعد فقه ۴، تهران، مرکز علوم اسلامی، پانزدهم.
۲۳. محمدی، عبدالعلی. ۱۳۸۷. حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، کابل، دانشگاه خاتم النبیین.
۲۴. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان. ۱۳۷۲. یادنامه شهید عبدالخالق، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. منتظری، حسینعلی. ۱۳۸۷. مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، قم، ارغوان دانش، اول.
۲۶. ولیدی، محمدصالح. ۱۳۸۵. حقوق جزای عمومی، ج ۱، دوازدهم، تهران، سمت.
- ب. مقالات
۱. اسکندری، عبدالکریم. ۱۳۸۹. حقوق جزای عمومی، جزوه درسی دانشگاه خاتم النبیین.
۲. حاجی ده‌آبادی، احمد. ۱۳۹۲. جرم شناسی، جزوه درسی جامعه المصطفی. کابل.
۳. سجادی، عبدالقیوم. ۱۳۸۷. رابطه فقه و حقوق، جزوه درسی دانشگاه خاتم النبیین.
۴. (د) قوانین
۵. وزارت عدلیه. ۱۳۸۲. قانون اساسی.
۶. _____ ۱۳۶۶. قانون اساسی.

۷. _____ ۱۳۶۹. قانون اساسی.
۸. _____ ۱۳۵۵. قانون جزا.
۹. _____ قانون اعتصاب، تظاهرات و اجتماعات.
۱۰. _____ ۱۳۸۲. قانون اجراء جزایی مؤقت.
۱۱. _____ ۱۳۸۶. قانون رسانه های همگانی.